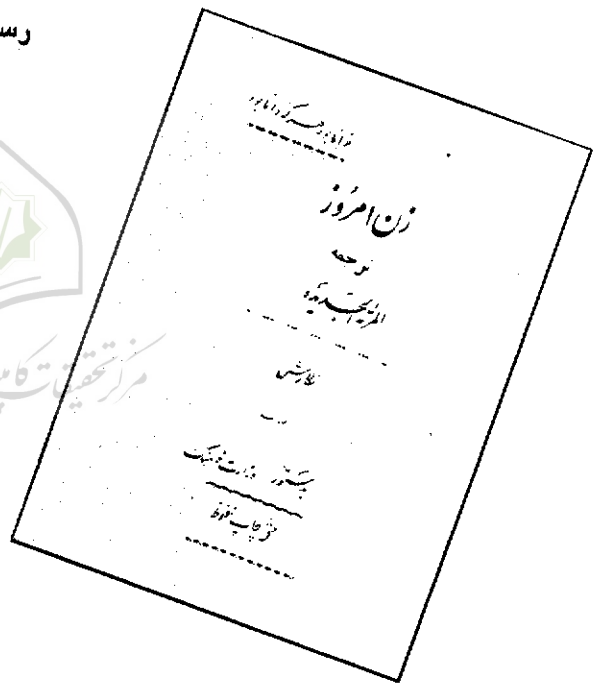
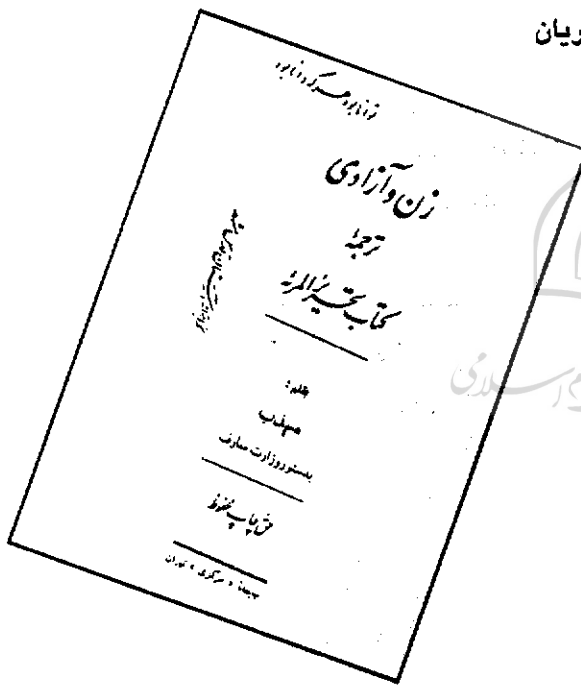


مسأله حجاب

و تأثیر اندیشه‌های

قاسم امین مصری در ایران

رسول جعفریان



زن و آزادی، ترجمه کتاب تحریر المرثة، بقلم: مهذب.

زن امروز، ترجمه المرثة الجديدة، نگارش مهذب.

زوال می‌رود؛ مگر آن که بتواند به وسیلهٔ اهرم‌هایی خود را سرپا نگاه دارد و دست کم در همهٔ ابعاد، شرایط یک قوم مغلوب را نداشته باشد.

بحث از حجاب، منتهای آنچه که در داخل خود فقه اسلامی مطرح بوده است، در فهرست مسائلی است که در جریان تأثیر و تأثر فرهنگی میان شرق اسلامی و غرب مورد توجه متجددین و سنت‌گرایان بوده است. بررسی تاریخچهٔ ورود بحث از حجاب و کشف حجاب، موضوع قابل توجهی است که می‌بایست در

شناخت تاریخچهٔ نفوذ افکار جدید در ایران و چگونگی این نفوذ و مسیرهای ورودی آن، از مسائلی است که برای شناخت تاریخ مجدد و نوگرایی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. بستر این نفوذ در قالب و قاعدهٔ شرایط فرهنگی قوم غالب و مغلوب است؛ به طوری که قوم مغلوب در گروش به سمت ارزش‌های قوم غالب از خود تمایل نشان داده و به مرور رنگ و بوی قوم غالب را می‌پذیرد. این در حالی است که روزهای نخست در برابر آن مقاومت می‌کند و به تدریج رو به سستی و

جای دیگری مورد بحث قرار گیرد.

آنچه در این جا بدان پرداخته ایم، در ابتدا مروری اجمالی بر مسیرهای ورودی این بحث از خارج به داخل کشور است. در بررسی این راه ها، در مقاله حاضر، روی یک مسیر تأکید شده و آن تأثیر اندیشه های برخی از متفکران مصری درباره مسأله حجاب در ایران است.

تا آن جا که به بحث کشف حجاب مربوط می شود، بی تردید تا پیش از طرح آن در ایران، نه هیچ زنی منادی کشف حجاب بوده و نه از دید مردمان مسلمان، حجاب امری صعب و سخت برای زنان وصف شده است.^۱ نخستین بار این اندیشه از بیرون آمد و افرادی نیز که از آن جانبداری کردند، شیفتگان غرب و اندیشه های مدرن بودند که یا در غرب تحصیل کرده بودند و یا در داخل در مدارس نوین درس خوانده و متأثر از آن اندیشه ها بودند. بنابراین و بدون تردید، حق با شیخ یوسف گیلانی است که در سال ۱۳۴۶ق/ ۱۳۰۷ش می نویسد: «معترضین که قلم فرسایی در کشف حجاب می کنند و به مقالات واهی مبادرت می نمایند، از تأثیرات و تعلیمات همسایگان و دشمنان ایران است.»^۲

بحث از حجاب، انتقاد از آن و شعار کشف حجاب به طور کامل، از چهار مسیر به ایران رسیده است:

۱. نخستین طریق آن، نشر افکار اروپایی در ایران بود که از راه های مختلفی صورت گرفت. گاه در نوشته های خود غربی ها انتقاداتی مطرح می شد و گاه ایرانیانی که به نوعی شیفته غرب می شدند، این اندیشه ها را در میان هموطنان خود مطرح می کردند. یافتن مسیرهای ورودی این افکار در داخل ایران، چندان دشوار نیست؛ اما مهم ترین آن ها ایجاد مدارس نوین به خصوص مدارس نسوان است که با حمایت و پشتوانه خارجی ها - و در اصل فرانسوی ها و امریکایی ها - و به سبک مدارس اروپایی در ایران تأسیس شده است. این خط سیری است که می بایست در قالب بحث از مدارس فرنگی ها در ایران دنبال کرد.^۳

۲. دومین مسیر، افکار و تجربه هایی است که از طریق کشورهای عربی وارد ایران شده است. البته این افکار، خود برگرفته از افکار اروپایی بوده است؛ با این حال، قدری در محیط اسلامی و دینی کشورهای عربی بازخوانی اسلامی و محلی شده و پس از آن به ایران رسیده است. در این باره، نشر افکار مصری ها که زودتر و بیش تر از هر کشور عربی خاورمیانه ای

با غرب آشنا شدند، جدی تر است که مروری بر آن خواهیم کرد.

۳. سومین مسیر، افکار و تجربه هایی است که از ترکیه نوین به ایران رسیده است. جدای از تأثیرپذیری رضاخان از تحولات ترکیه، از زمانی که افکار جدید در ترکیه شکل گرفت و تجددگرایی رواج یافته و سپس تجددگرایان به قدرت رسیدند، اخبار آن به داخل ایران می رسید. این اخبار برای روشنفکران ایرانی امید تحول را به همراه داشت؛ همچنان که برای متدینین اخباری ترسناک به حساب می آمد. بعدها نیز با سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۳۱۳ و اعلام دستور کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ این مسأله تقویت شد که تحولات مربوط به مدرنیزه کردن ایران، همان مسیری را دنبال می کند که ترکیه آن را تجربه کرده است.^۴

۴. چهارمین مسیر، نشر اندیشه های نوین از طریق هند به ایران بوده است.^۵ نمونه های روشن آن از طریق نشریاتی مانند حبل المتین بود که در آن مقالات متعددی درباره لزوم کشف حجاب به معنای خاص آن، نوشته شده و اصولاً روزنامه یاد شده، خط تجدد و نوسازی را در ایران دنبال می کرد. در همین جا افزودنی است که به سال ۱۳۰۷ش در افغانستان کشف حجاب شد و پس از آمدن خاندان سلطنتی افغانستان به ایران به صورت بی حجاب، این مسأله به گونه ای خاص زمینه کشف

۱. در این باره باید قره العین بابی را که دلیل کشف حجاب او در میان بابیان چندان هم روشن نیست، استثنا کرد.

۲. وسیلة العقاب یا طومار هفت، ص ۱۱۲.

۳. ر. ک: کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، همانا نطق، پاریس، خاوران، ۱۳۷۵؛ ایران دوره ای فرهنگی، ناطق، پاریس، خاوران، ۱۹۹۰ م.

۴. شخصیت آتاتورک برای ایران رضاخان آن اندازه اهمیت داشت که در سال ۱۳۱۷ش کتابی در ۲۰۹ صفحه در شرح حال وی و فعالیت هایش به فارسی در ایران ترجمه و انتشار یابد. ر. ک: کمال آتاتورک، محمد توفیق، ترجمه اسماعیل بن محمد جواد فردوسی فراهانی، اراک، ۱۳۱۷ش.

۵. امام خمینی در کشف الاسرار (ص ۳۳۰-۳۳۱) در شرح نقشه های استعمارگرایانه و تجددطلبانه نوشتند: قبل از بیست ساله دیکتاتوری، نقشه های خود را نسبتاً با تزاکت و آرامش می خواستند عملی کنند؛ با روزنامه ها و تبلیغات که از قفقاز و کلکته و مصر می آمد.

به بحث و گفتگو پرداخته، آثاری را تألیف کنند.^{۱۲} در نگاه امین، تعلیم و تربیت صرف آموزش خواندن و نوشتن نیست، بلکه افزودن بر قدرت درک عقلی زن است تا بتواند از اوهاام دور شده، زندگی بهتری را برای خود و خانواده تدارک ببیند. در این جا بود که وی به بحث حجاب و مانع بودن آن بر سر راه رشد و ترقی زن رسید. وی، حجاب رایج در جامعه

حجاب را در ایران بیش از پیش فراهم کرد. در این جا به اختصار به تأثیر افکار قاسم امین مصری در زمینه حجاب و کشف حجاب در ایران می پردازیم.

تحقیقاً می توان گفت که بحث از آزادی زنان، پیش از آن که در ایران طرح شود، در مصر مطرح شد و به تدریج در سایر کشورهای عربی نفوذ کرد. دلیل این امر نیز چنان بود که مصر زودتر از دیگر مردمان شرقی اعم از عرب و ایرانی، با غرب، به ویژه با افکار فرانسوی ها آشنا شد. در این مورد، به خصوص نخستین فردی که این مسائل را به طور گسترده مطرح کرد، قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۸) بود که کارش را با تألیف کتاب *تحریر المرأة* آغاز کرد.

قاسم امین تحصیل کرده پاریس بود^۶ و افزون بر آن که در عصر اصلاح گری در مصر تربیت شده و شاگردی یکی از رهبران اصلاح طلب، یعنی محمد عبده را کرده بود، تحصیل در فرانسه، می توانست تأثیر خاص خود را بر او گذاشته باشد.^۷ قاسم امین ابتدا کتاب *تحریر المرأة* را نگاشت و پس از آن در کتاب *المرأة العصرية* یا *المرأة الجديدة*^۸ به پاسخ گویی به انتقادهایی که از وی شده بود، پرداخت. وی معتقد بود که اسلام زن و مرد را مساوی قرار داده؛ اما این اصل بعدها طی قرون متمادی تحریف شده است. امین بر این باور بود که زنان تا وقتی محجبه هستند، پیشرفت نخواهند کرد. به علاوه، در قرآن هم دلیلی بر این که زنان باید روی خود را بپوشانند، وجود ندارد. وی حجاب قرآنی را ویژه زنان پیامبر (ص) - و نه زنان دیگر - می دانست.^۹ گفتنی است که امین در آغاز گرایش افراطی در این زمینه نداشت و پنج سال پس از آن که به این حد از تندروی برسد، می کوشید تا در قالب عقاید اسلامی در کتاب *المصريون*^{۱۰} خود از زن مسلمان و حجاب اسلامی دفاع کند؛ اما امین، در سال ۱۸۹۸ با تألیف کتاب *تحریر* به یکباره دگرگون شد.^{۱۱} وی به تفصیل درباره وضعیت حقارت آمیز زنان مصری سخن گفت و بر تعلیم و تربیت آنان تأکید ورزید. تأثیر افکار قاسم امین با انتشار این کتاب در آغاز قرن بیستم، در جهان عرب عمیق و گسترده بوده و به دنبال خود، دیگر متفکران عرب را برانگیخت تا در این باره،

۶. قاسم امین *بین الادب والفتیة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴، ص ۱۸.
۷. قاسم امین، تا سال ها پس از بازگشت، هنوز به فرهنگ سستی خود می بالید و حتی بر ضد یک فرانسوی که انتقاد از اخلاقیات عمومی مصر کرده بود، کتاب *المصريون* را به سال ۱۹۸۴ نوشت و حتی در آن از حجاب دفاع کرد. (گزارش این کتاب را بنگرید: قاسم امین *بین الادب والفتیة*، ص ۲۹ به بعد. آن نویسنده فرانسوی به ویژه به حجاب زنان مصری سخت انتقاد کرده بود و قاسم امین با دفاع از حجاب به پاسخ گویی به انتقادهای او پرداخته بود. (همان، ص ۲۴) اما از سال ۱۹۸۹ به طور کلی عوض شده و مسیر فکرش را تغییر داد. بنگرید: عمارة، محمد، *الاهمال الکاملة*، (بیروت، ۱۹۷۶) ص ۷۱-۴۵ به نقل از: *المرأة العربية دعوة الى التغيير*، (حجاب، نادیه، لندن، ریاض الریس، ۱۹۸۸)، ص ۷۳-۷۴.
۸. قاسم امین، (ماهر حسن فهمی، مؤسسه المصریه، قاهره) ص ۱۸۱-۱۹۵. (در این صفحات گزارش مطالب این کتاب او که در آن پاسخ به انتقادات منتقدان است، آمده است)
۹. *المرأة العربية دعوة الى التغيير*، ص ۷۲.
۱۰. وی این کتاب را در رد بر لرد کرومر نگاشت که در اثر خود تحت عنوان *مصر للحدث* انتقادات زیادی را از مردم مصر و به ویژه دینداری آنان و از جمله مسأله حجاب مطرح کرده بود. این انتقادات در مطبوعات عربی آن زمان مطرح شده و بسیاری به آن پاسخ دادند. مطالب کرومر حتی در ایران نیز انعکاس یافته برخی از بهائیان از آن مطالب بر ضد مسلمانان سوءاستفاده کردند. در این باره سید ناصر الدین نجف آبادی در *حجة البالغة* مسائلی مطرح کرده و به اندیشه های کرومر و تأثیر آن بر بهائیان اشاره کرده و بخش هایی از انتقاداتی که در مطبوعات عربی نسبت به کرومر مطرح شده را آورده است (*حجة البالغة*، ص ۲۴۵-۲۴۶).
۱۱. قاسم امین خود این دگرگونی را نمی پذیرفت و بر این باور بود که، این درست است که در کتاب نخست از حجاب دفاع کرده، اما در کتاب *تحریر* خود، حدود آن را بیان کرده است. حقیقت آن است که وی تحت تأثیر آداب غربی قرار گرفته بود. به همین دلیل، بعدها که کتاب *المرأة الجديدة* را در دفاع از خود و در پاسخ گویی به منتقدانش نوشت، توصیه صریحش این بود که می بایست فرزندان خود را با آداب غربی آشنا سازیم. «ولیس له دواء الا ان نربی اولادنا علی ان يتعرفوا شئون المدينة الغربية ويقفوا علی اصولها وفروعها وآثارها. و اذا أتى ذلك الحین -وترجوا الا یكون بعیننا- انجلت الحقیقة أما أعیننا ساطعة سطوع الشمس، و عرفنا قيمة التمدن الغربية». *المرأة الجديدة*، ص ۱۸۴. بنگرید: قاسم امین (فهمی) ص ۱۹۳.
۱۲. *المفهوم التاريخي لفتیة المرأة*، (السید جاسم، بغداد، ۱۹۸۶) ص ۱۹۳-۱۹۴. در آن جا به چندین اثر در این باره اشاره شده است.

مصری را اسلامی نمی دانست و بر این باور بود که باز گذاشتن صورت، امری مخالف دین و شریعت دینی نیست؛ آنچه مهم است پوشاندن جسم است. وی بر این باور بود که حجاب نمی تواند زنان را از فتنه گری و فساد نجات دهد، بلکه به عکس، آنان در پرتو حجاب، برای هر فساد آزادی ترند. افزون بر اینها، حجاب به این معنا که زن در خانه بماند و بیرون نیاید، مانع رشد و ترقی آنان است؛ بنابراین باید اجازه داد تا زن از خانه درآمده و با مردان آمیزش داشته باشد؛ چرا که زنی که اختلاط با مردان داشته باشد، بیش از زنی که در خانه است، از افکار بد به دور است. طبیعاً زنی که در این شرایط عقیفه بماند، ترجیح بر زنی دارد که در خانه مانده، و به اجبار عفت خویش را حفظ کرده است! تقریباً چیزی شبیه این که کسی را در زندان نگاه دارند تا جرمی مرتکب نشود! با این همه، قاسم امین بر این باور بود که زنان، به رغم داشتن تعلیم و تربیت عالی، نمی بایست جز برای کارهای ضروری، در خارج از منزل کار کنند.^{۱۳}

پیش از این اشاره کردیم که بحث از باز بودن دست و صورت همیشه در فقه مطرح بوده است؛ آنچه اهمیت دارد آن است که اندیشه قاسم امین در امتداد آن بحث فقهی نبود، بلکه درآمدی بر کشف حجاب کامل بود؛ کما این که نواده وی، وقتی کتاب جدش را تجدید طبع کرد، تصویر شمار زیادی از زنان مکشوفه تحصیل کرده را برای تصدیق گفته های پدر بزرگش، در انتهای کتاب آورد!

ترجمه آثار قاسم امین به فارسی

در این که اندیشه های طرح شده در مصر و جهان عرب به دست نوگرایان ایرانی رسیده باشد، تردیدی نمی توان کرد. طبیعی است که ما می بایست روابط با غرب را در همه ابعاد آن، و پس از آن همسایگی ایران با عثمانی و رفت و شد ایرانیان را به استانبول، برای تأثیرپذیری نوگرایان ایرانی، در درجه نخست از اهمیت قرار دهیم. با این حال، تأثیر اندیشه های ایجاد شده در جهان عرب را در عراق و لبنان و از آن طریق بر ایران، می توان دنبال کرد. نمونه روشن آن این است که هر دو کتاب قاسم امین، تحت عنوان زن و آزادی و زن امروزه فارسی درآمده و حتی توسط نویسنده ای مقیم همدان بیش از سال ۱۳۲۴ ش مورد نقادی قرار گرفته است.^{۱۷}

۱۳. قاسم امین بین الادب والقضية، ص ۴۵-۵۰، ۸۹-۹۴. (در این صفحات بخش هایی از متن کتاب امین درباره حجاب عیناً نقل شده است) و نیز بنگرید: قاسم امین، (فهمی) ص ۱۳۹.

۱۴. ماهر حسن فهمی گزارش این کتاب و انتقادات وی را به قاسم امین آورده است. (همان، ص ۱۶۶-۱۷۰) نسخه ای از آن در کتابخانه مرعشی موجود است.

۱۵. قاسم امین بین الادب والقضية، ص ۵۳-۵۴.

۱۶. المنار، ۱۵ یولیو ۱۸۹۹، به نقل از فهمی، همان، ص ۱۷۱. فتاوی رشیدرضا درباره کشف حجاب و مسأله مساوات میان زنان و مردان بنگرید در: فتاوی الامام رشیدرضا (بیروت، ۱۹۷۵): ج ۲، ص ۶۷۹-۶۸۳، ج ۳، ص ۹۳۳-۹۳۴، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.

۱۷. بنگرید به فهرست تالیفات آقامیرزا عبدالرزاق مجتهد اصفهانی در پایان کتاب قرآن و حجاب (ص ۱۰۴) به کتابی از او تحت عنوان: انتقاد و جواب کتاب آزادی زن و کتاب زن امروز ترجمه تحریر المرأة و المرأة الجديدة قاسم امین.

اندیشه های امین، مورد انتقاد برخی از متفکران قرار گرفت. یکی از منتقدان قاسم امین، محمد فرید وجدی بود که طی سلسله مقالاتی عقاید خویش را مطرح کرد و المرأة المسلمة را در بیان عقاید خویش نگاهاشت. آثار دیگری از جمله کتاب هایی چون تربية المرأة والحجاب از محمد طلعت حرب،^{۱۴} السنة والكتاب فی حکم التریة والحجاب از محمد ابراهیم القایاتی، المجلس الایس فی التحذیر عما فی تحریر المرأة من التلبیس از محمد احمد حسین البولاقی، خلاصة الادب از حسین الرفاعی، رسالة الفتی والفتاة از عبدالرحمن الحمصی، در نقد قاسم امین انتشار یافت؛ همین طور کتاب هایی نیز مانند رسالة فی نهضة المرأة المصرية والمرأة العربية از عبدالفتاح عباده و اکلیل غار علی رأس المرأة از جرجی نقولا انتشار یافت.^{۱۵} گفتنی است که رشیدرضا در مجله المنار ضمن اشارتی در باب دیدگاه های قاسم امین در خصوص شکل حجاب، به طور تلویحی از وی دفاع کرده، نوشت:

این که برخی تصور می کنند این نظر فقها که عدم کشف صورت و در نیامیختن زنان را با مردان ترجیح می دهند، یک اصل فقهی ثابت است، بر خطا هستند. در واقع، احکام شرعی به صورت مطلق و کلی آمده و بر پایه عادت و اخلاق نیکو جریان می یابد. طبعاً جزئیات از همان عصر پس از پیامبر (ص) میان صحابه و تابعین مورد اجتهاد قرار می گرفته است.^{۱۶}

توانسته بودند». یکی از این اصلاحات همین کشف حجاب بود که در «روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۱۴ که روز جشن توزیع دانشنامه های محصلین دانشسرا بود» شاه و ملکه و شاهدخت ها بی حجاب در دانشسرا حاضر شدند. وی پس از آن بخشی از نطق شاه را نقل کرده و این که «این اصلاح اساسی شاهانه که به منزله شالوده و بنیان اجتماعی بود» مورد قبول همه قرار گرفت. از آن جایی که ممکن بود برخی تصور کردند که «آن طور حجاب را، اسلام امر داده بوده است و بیگانگان آن را برای دین نقص بشمارند؛ برای رفع این اشتباه و این تهمت، وزارت جلیله معارف که در پرتو این دولت می کوشد مردم از گرداب جهل بیرون آمده در شاهراه ترقی پیش روند و اسلام و مسلمین قوی شده، از هر گونه تهمتی بری باشند» به ایشان امر می کنند تا «شرحی راجع به حجاب اسلامی نوشته، عقیده علما را» شرح بدهد. وی نیز به جای انتشار نوشته خودش، صلاح را در آن دیده است تا «کتاب مرحوم قاسم بیک امین را ترجمه و سخن علمای شیعه را بر آن» بیفزاید.^{۲۰}

اندکی بعد در همان عصر رضاخان، احمد مذهب کتاب دیگر قاسم امین را نیز تحت عنوان زن امروز ترجمه کرد. در مقدمه، از ارزش کار قاسم امین و تخمی که او کاشته سخن گفته و این که ای کاش امروز او می بود و می دید که این تخمی که کاشته تا چه اندازه ثمر داده است. وی در مقدمه این اثر نیز از نهضت تازه ایران به رهبری «پدر تاجدار» سخن گفته و آرزو کرده روزی برسد که به قول آنا تول فرانسه «زن رسماً مربی مرد و مذهب اخلاق او گردد». هر دو کتاب پس از دستور کشف حجاب و سال های پایانی سلطنت رضاخان به دستور وزارت فرهنگ چاپ شده است.

همان زمان این دو کتاب، مورد استقبال متجددین قرار گرفت. شگفت آن که بسیاری از متدینین نیز فریب آن را خوردند که گویا بحث تنها درباره کشف وجه و کفین است؛ و شگفت آن که خود قاسم امین نیز بحث را از همین جا شروع کرد، اما به

۱۸. سید احمد بن حسن مذهب شیرازی (۱۳۰۱-۱۳۷۴ق) روحانی و مترجم. طلبة مدرسه منصوریه شیراز و نماینده شیراز در مجلس شورای ملی و استاد دانشگاه معقول و منقول در تهران. مترجم دو اثر قاسم امین که در متن معرفی شده و مترجم کتاب «حاضر العالم الاسلامی». بنگرید: موسوعة مؤلفی الامامیة، (قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ق) ج ۳، ص ۲۶۹.

۱۹. مقدمه آزادی و زن، ص ۵۰.

۲۰. مقدمه کتاب زن و آزادی.

ترجمه دو اثر مزبور هر دو، توسط وزارت فرهنگ رضاشاه صورت گرفته و عامل آن مترجمی با نام احمد مذهب (سید احمد مذهب الدوله م ۱۳۳۶ ش)^{۱۸} است.

مذهب در مقدمه کتاب زن و آزادی با اشارتی گذرا درباره حجاب در عصر پیامبر (ص) و پس از آن، بر این باور است که «حجاب بین مسلمین از دوران بنی عباس رواج گرفت و در هر جا به شکلی مرسوم شد. حجاب چینی با هندی و هر دو با حجاب ایرانی و حجاب ترکی و عرب تفاوت داشت». پس از آن بلافاصله به این نتیجه گیری می رسد که این حجاب «نصف جامعه مسلمین را از کار انداخت». ^{۱۹} آن گاه پس از نقل جملاتی از گذشتگان درباره عدم لزوم غیرت زیادی از سوی مردان، می نویسد:

در دوره های گذشته، زمامداران اسلامی یا نمی توانستند یا توجهی به اصلاحات نداشتند. علمای حقه نیز در برابر عوام بر اظهار این حقیقت توانا نبودند. عاقبت در ۳۶ سال پیش، مرحوم قاسم بیک امین مصری فداکاری کرده کتاب تحریر المرأة را انتشار داد. گروهی برخلاف او قیام کردند؛ حتی خواست این کتاب را به عباس پاشا خدیو مصر هدیه دهد، وی از ترس عوام قبول نکرد، ولی آن مرحوم از پا ننشسته، سال بعد کتاب دیگر به نام المرأة الجدیفة منتشر ساخته، به عقیده خود وظیفه میهن دوستی خود را انجام داد.

مذهب مترجم این کتاب می گوید که خودش در سال ۱۳۳۱ق/ ۱۲۹۲ش رساله مختصری نوشته و در آن از لزوم تربیت [ترتیب] زن و کیفیت حجاب در اسلام و مذهب حقه اثنا عشری نوشتیم. پس از آن «نادانی در لباس دانایان بشنید؛ از پیش من برخاست و نزد فقیه شهر که عالمی بزرگوار بود، به شکایت بنشست. او مرا پند داد که این تمنا کلاهی دلکش است؛ اما به درد سر نمی آرد...» وی از نشر رساله اش خودداری کرده، پند آن فقیه را می شنود تا آن که «کوکب اقبال ایرانیان طلوع و آفتاب دولت اعلی حضرت پهلوی» می درخشید؛ آن چنان که «در این مدت کم، اصلاحاتی فرمود که در چندین قرن دیگران

بی‌حجابی کامل رسید؛^{۲۱} شاهد آن نشر کتاب او در دوره اخیر است که همراه کتاب، تصویر زنان بی‌حجابی که در شمار زنان متشخص و فرهیخته مصر هستند، به عنوان شاهد مثال درج شده است.^{۲۲} با انتشار این کتاب‌ها، مطبوعات متجددین به تبلیغ و ستایش آن‌ها پرداختند. به طوری که شیخ ابوالفضل خراسانی می‌نویسد: «در بعضی از مجلات مقاله‌ای درج و انتشار داده به عنوان قاسم امین برای دعوت به بی‌حجابی...». وی سپس خلاصه‌ای از آن مقاله را آورده و با متهم کردن آن مجله به این که «جز عناد و جهل و فتنه در جامعه ملت» هدفی ندارد، به نقد آن مقاله پرداخته است.^{۲۳}

ابو عبدالله زنجانی از علمای برجسته مقیم عراق که رفت و شدی هم در مصر داشت، ضمن اشاره به کتاب قاسم امین و نقد عبده و فرید و جدی^{۲۴} بر آن، به صراحت به تأثیر آثار قاسم امین در عراق و ایران اشاره کرده، می‌نویسد: «پس از طلوع این فکر در مصر و بلاد عربیه، به اقطار اسلامیة دیگر مثل صفحه ایران منعکس شد.»^{۲۵} درباره نقد عبده بر قاسم امین که خود شاگرد عبده بوده است، چیزی به دست نیاوردیم.

شاهد وجود نسخه‌های عربی، کتاب قاسم امین در ایران آن که مطالب کتاب *تحریر المرأة قاسم امین*، سال‌ها پیش از نشر آن به فارسی، در کتاب *طومار عفت* (تألیف ۱۳۴۵ ق/ ۱۳۰۷ ش) مورد نقادی حاج شیخ یوسف گیلانی قرار گرفت و وی با نقل برخی از دیدگاه‌های او، به نقد آنها نشسته است.^{۲۶} در یک مورد، گیلانی در بیان مطالب خویش از شیفتگان افکار جدید چنین یاد می‌کند که «جوانان قرن نوین و یا مقلدین قاسم امین می‌گویند...».

نویسندگان متدین ایرانی که طرفدار حجاب بوده و در این باب قلم می‌زدند، از نقدهای عربی که بر کتاب قاسم امین نوشته شده بود، استفاده می‌کردند. یکی از آثار انتقادی بر امین، کتاب *المرأة المسلمة* اثر محمد فرید و جدی بود که در عراق و ایران، فراوان مورد استفاده قرار گرفت. از جمله موارد استفاده، نقل قول‌هایی است که جدی از آثار غربیان در کتاب خویش آورده و مربوط به جنبه‌های منفی برخورد غرب با زن و تبعات سوء آزادی زن در اروپا می‌شود. بخش عمده‌ای از این نقل قول‌ها از *مجلة المجلات* فرانسوی است که آمارها و نقل قول‌های فراوانی از این دست داشته و از طریق فرید و جدی به آثار عربی و فارسی در عراق و ایران نفوذ کرده است. نویسنده *طومار عفت* ذیل فصلی خاص، خلاصه‌ای از دیدگاه‌های محمد فرید و جدی

را از کتاب *المرأة المسلمة* آورده است.^{۲۷} همچنین طارمی منجیلی که از علمای مقیم نجف بود، در *مکالمه خسرو و پرویز* از کتاب *الاسلام روح المدنیة* و نیز آثار فرید و جدی و همین‌طور برخی از نوشته‌های مصریان در این زمینه بهره برده و از این جهت، نشان داده است که منابع تازه‌ای را از منابع عربی و حتی ترکی در اختیار داشته است.

یکی از آثار عربی که مورد استفاده نویسندگان متدین ایرانی قرار گرفت کتاب *الاسلام روح المدنیة* از مصطفی الغلابینی بود که در اصل برای پاسخ‌گویی به انتقادهای لرد کرومر^{۲۸} نوشته شده بود. بخشی از مباحث وی در زمینه حجاب المرأة و بحث‌های دیگر در زمینه حقوق زنان، مسأله تعدد زوجات، طلاق و جز این‌هاست.^{۲۹} این کتاب منبع مهمی برای نویسندگان ایرانی مدافع حقوق اسلامی زنان بوده است. نقل قول‌های زیادی از این کتاب در «سئال‌حجابیه» آمده است که در جای خود به آن‌ها اشاره کرده‌ایم.



۲۱. حمید عنایت می‌نویسد: قاسم امین، یک مبارزه ملایم به نفع آزادی زنان در مصر به راه انداخته بود. وی در ابتدا دقت می‌کرد که درخواست‌هایش راجع به تعلیم و تربیت زنان و پایان دادن به کنارماندگی‌شان از امور اجتماعی را با استناد به قرآن و شریعت بیان کند. ولی بعداً که آماج حملات سنت‌گرایان قرار گرفت، چهارچوب اسلامی را رها کرد و تمدن جدید را ضامن دگرگونی زندگی زنان مسلمان گرفت. بنگرید: *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، (تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲) ص ۱۵۳.

۲۲. نسخه چاپی آن در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.

۲۳. خراسانی، *احسن الحکایات فی حجاب المسافرات*، تهران، ۱۳۶۵ ق، ص ۲۴۱. گویا اصل مطلب از *کشف الغرور* (ص ۱۶۳) باشد.

۲۴. نویسنده کتاب «*المرأة المسلمة*» که مورد استفاده گیلانی در کتاب *وسيلة المعانف* (ص ۱۰۴) قرار گرفته است.

۲۵. ابو عبدالله زنجانی، *فلسفه حجاب*، نجف، ۱۳۴۳ ق، ص ۲.

۲۶. *وسيلة المعانف*، رشت، ۱۳۴۵ ق، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲۷. *وسيلة المعانف یا طومار عفت*، ص ۱۰۴.

۲۸. درباره او بنگرید: جرجی زیدان، *تاریخ المصر الحديث*، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲۹. مصطفی غلابینی، *الاسلام روح المدنیة*، بیروت، ۱۹۰۸ م، ص ۱۹۸-۲۷۹.